



کربن از عرفی شدن اندیشه ایرانی و تشیع بیم داشته است

پازوکی، پژوهشگر گفت: کربن از عرفی شدن اندیشه ایرانی و تشیع بیم داشته است. به اعتقاد او اگر اندیشه ایرانی و تشیع عرفی شود مقدمه ای برای ایدئولوژی شدن و سپس تبدیل شدن به یک جریان سیاسی است.

پازوکی، پژوهشگر گفت: کربن از عرفی شدن اندیشه ایرانی و تشیع بیم داشته است. به اعتقاد او اگر اندیشه ایرانی و تشیع عرفی شود مقدمه ای برای ایدئولوژی شدن و سپس تبدیل شدن به یک جریان سیاسی است.

به گزارش خبرنگار مهر، دومین روز از همایش هانری کربن عصر امروز با حضور اساتید برجسته فلسفه در سالن دکتر شهیدی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد.

شهرام پازوکی، نویسنده و پژوهشگر به عنوان اولین سخنران این همایش گفت: مسئله امروز ما مسئله اگزیستانسیالیسم نیست، مسئله امروز ما ایران است بخصوص در شرایط بحران فکری فعلی باید از این دریچه به کربن نگاه کنیم که از نظر او ایران چیست و چرا به ایران شناسی پرداخته است. کربن در جستجوی شرق و به عرفان های شرق نظر داشته است. او در جلساتی که در سوئیس برگزار می شد به همراه مورخین ادیان دیگر حاضر می شد بنابراین این گونه نبوده که فقط عرفان اسلامی خوانده باشد. کربن دنبال شرق است منتهی نه شرق جغرافیای، برای او شرق تبدیل به ایران می‌شود.

وی افزود: کربن از ایران شناسی به معنای مصطلح عبور می کند. به همین دلیل هم به معنای دقیق او نوعی ایران پژوه است. کربن به ایران می رسد و سهروردی را می یابد. از نظر او سهروردی هم یک ایران شناس است. او ایران شناسی را به عنوان یک عالم ایرانی و تفکر ایرانی می یابد. خود ایرانیان قائل به این بودند که ایران فقط گستره جغرافیایی نیست بلکه مسئله ایران تاریخ و جغرافیای سیاسی نیست بلکه یک تفکر خاص است که کربن آن را یافته است. کربن همچنین از مجرای سهروردی به ایران باستان می رود و در می یابد که ایرانی بودن چیست.

عضو هیئت علمی موسسه حکمت و فلسفه افزود: اسلام شناسی کربن هم تابع ایران شناسی او می شود و در سراسر کارهایش این دو از هم جدا نمی شوند. به عقیده او اگر عالم ایرانی خوب فهمیده شود متوجه می شویم که بین ایران شناسی و اسلام شناسی اتصال وجود دارد. به همین منظور او در آثارش بسیار از روح ایرانی، عالم معنوی و اسلام ایرانی یاد می کند.

پازوکی ادامه داد: عرب ها با کربن رابطه و میانه خوبی ندارند و گاهی این محققین عرب و بعضا یک سری از ایرانی ها مثل سید جلال آشتیانی او را متهم به جاسوس ایرانی یا فرانسوی می کنند. کربن پدیدارشناس و فیلسوف و اولین مترجم هایدگر به فرانسه است و عقیده دارد که مطالعات تاریخی صرف نتیجه نمی دهد. او با پدیدارشناسی می گوید مراد من از اسلام ایرانی، اسلامی که ایرانیان خلق کردند نیست بلکه مراد من اسلامی است که ایرانیان کشف کردند و بین کشف و خلق تفاوت وجود دارد. اسلام ایرانی یک سرش در اسلام سهروردی، یک سرش به حکمت نبوی، ابن سینا و فتوت نامه ها و سر دیگرش به شاهنامه فردوسی بر می گردد. بنابراین سهم ایرانیان از اسلام و درک معنوی شان کلید درک آثار کربن است. او با روش پدیدارشناسی با تاریخ ضدیتی ندارد بلکه یک نوع نگرش فراتاریخی دارد.

این پژوهشگر تصریح کرد: هانری کربن در اسلام ایرانی دو رکن تصوف و تشیع تشخیص می دهد و می گوید این دو، دو روی یک سکه هستند. به عبارتی کربن می خواهد بگوید نوعی پیوند معنوی بین ایران و اسلام وجود دارد که حاصل آن تصوف و تشیع بوده است. به همین خاطر است که ما می گوئیم هانری کربن به عالم ایرانی شیفتگی خاصی دارد. با این همه اهمیتی که برای کربن قائل هستیم اما تفکرات این متفکر مخاطراتی هم دارد. او فیلسوف زمانه است و نمی تواند معاصر بودن را کنار بگذارد. کربن از عرفی شدن اندیشه ایرانی و تشیع بیم داشته است و به اعتقاد او اگر اندیشه ایرانی و تشیع عرفی شود مقدمه ای برای ایدئولوژی شدن و سپس تبدیل شدن آنها برای یک جریان سیاسی است که در نهایت چیزی از آن باقی نمی ماند. همچنین واضح است که کربن، هایدگر خوانده است. هایدگر در یکی از مصاحبه هایش وقتی از او می پرسند در وضعیت بحرانی چه باید کرد پاسخ می دهد فقط خداوند می تواند ما را نجات دهد. با اینکه تفسیرهای مختلفی از اینکه منظور هایدگر از خدا چه بوده، وجود دارد ولی احتمالاً پاسخ کربن به این سؤال این گونه است که فقط ایران می تواند ما را نجات دهد.

پازوکی در پایان گفت: به عقیده هانری کربن تفکر ایرانی استمرار دارد و زنده است. او شرق را در ایران و تفکر ایرانی و اسلام ایرانی که نمایندگان آن هم حکما و عرفا هستند یافته اند. کربن در عالم حکمت ایرانی مشرقیان را شناسایی و به جهانیان معرفی می کند. در یکی از کتابهایش با اشاره به صحبت مارکس که می گفت کارگران به پا خیزید می گوید این مشرقیان به پا خیزید.